فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ششم ، بهار ۱۳۹۳-صفحات ۶۵-۸۲

مرابحه در اقتصاد اسلامی (با نگرش ویژه به بانکداری)

محمد اکبری[۱]

چکیده

سالیان متمادی است که قرار داد مرابحه در فقه شیعه مورد بررسی و استفاده بوده است؛ لکن به دلایل متعدد از جمله عدم شناخت درست از این نوع بیع، به رغم وجود ویژگی های منحصر به فرد، در ایران و به طور خاص در صنعت بانکداری ایران، مغفول مانده است.

با ذکر این قرارداد در برنامه توسعه پنجم (ماده ۹۸) روزنه های امید جهت استفاده بیشتر از این عقد، گشوده شده است؛ لکن هنوز آنطور که شایسته و مورد نیاز است این عقد مورد توجه و واکاوی قرار نگرفته که به نظر می آید پژوهش های علمی متعدد در این باب گامی مناسب و لازم باشد.

در این مقاله سعی می شود معرفی دقیق و مستندی از عقد مرابحه صورت بپذیرد و نقاط برجسته و کاربردی آن تبیین و همچنین ابهامات مبنی بر غیر مشروع بودن این عقد برطرف گردد.

واژگان کلیدی : بیع، مرابحه، بانکداری بدون ربا، ربا.

طبقه بندی JEL: G2,K00

---

۱. دانشجوی ارشد علوم اقتصادی (بانکداری اسلامی) دانشگاه تهران: makbaribeheshty@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۱. مقدمه

مسلمین متعهد به شریعت، همواره در صدد اجرای احکام دینی بوده و هستند. این رویکرد بعد از انقلاب اسلامی ایران در سطح وسیع تری از جمله سطح حاکمیتی، رشد پیدا کرد.

یکی از این احکام که بسیار در زندگی امروزه قابل وقوع است، مبحث ربا[1] می باشد. ربا در شریعت مقدس اسلام به شدت نهی شده تا آن حد که ربا از ۷۰ بار زنا با محارم، بدتر دانسته شده است.

با اوصاف ذکر شده، شناخت ربا و دوری از آن به شدت اهمیت پیدا کرد؛ همچنین راه های مشروع برای انجام امور مالیِ بدون ربا، نیز مورد توجه و استفاده قرار گرفت؛ از جمله این راه ها استفاده از عقود مرسوم در شریعت اسلام است، که همواره مورد تاکید و تایید فقها هم بوده است.

یکی از این عقود مرسوم، عقد "مرابحه" است. عقد مرابحه سالیان متمادی است که در فقه جعفری وجود داشته؛ لکن به دلایلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در ادامه مقاله سعی می شود، ضمن ارائه مفهومی دقیق از عقد مرابحه و تبیین و تشریح آن، از مسائلی چون قلمرو شمول این عقد، چرایی عدم استفاده تا مقطع کنونی در ایران، نوآوری های مالی ای که ممکن است به تبع استفاده از این عقد به وجود آید، تمایز این عقد با سایر عقود و ویژگی های منحصر به فرد این عقد سخن به میان آید.

۲. چیستی عقد مرابحه

مرابحه از نظر لغوی به معنای توافق دوطرفه برای سود یک معامله است. عقد مرابحه را می توان به صورت قراردادی بین فروشنده و خریدار تعریف کرد که در آن، فروشنده، کالای مشخصی را با ویژگی معین، از نظر شرع و قواعد کشوری که در آن معامله صورت می گیرد، به قیمت هزینه تمام شده به علاوه سود مورد توافق طرفین، به خریدارمی فروشد (محرابی،۱۳۹۰، ص۴۷).

در بیع مرابحه، آگاهی از مقدار ثمن و سود شرط است[مثل آنکه فروشنده بگوید من این کتاب را صد تومان خریده ام و ده درصد سود می گیرم] (شهید اول،۱۳۷۴،ج۱، ص۲۴۳).

به زبان دیگر:

[بیع مرابحه] از زمان های قدیم بین مردم رایج بوده و مقصود از آن بیعی است که فروشنده قیمت تمام شده کالا شامل قیمت خرید، هزینه های حمل و نقل و نگهداری و هزینه های دیگر مرتبط را به اطلاع مشتری می رساند، سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود می کند (نجفی،۱۹۸۱، ص ۲۳ و ۳۰۳).

---

۱. ربا: قرض+ شرط+ زیاده.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۳. ارکان عقد مرابحه

الف- طرفین قرارداد: متعاقدین در قرارداد مرابحه بایع و مشتری هستند. در هر یک از دو طرف عقد، بلوغ، عقل، قصد و اختیار شرط است.

ب- ایجاب و قبول: این قرارداد نظیر تمام قراردادهای دیگر می تواند با لفظ، نوشتار یا عملی حاکی از اراده و رضایت طرفین قرارداد به انجام این کار، منعقد شود.

ج- عوضین: در قرارداد مرابحه، عوضین همان مبیع (کالا) و ثمن (بهای خرید و سود) می باشند (ملاکریمی، ۱۳۹۰، ص ۴۰ و ۴۱).

۴. روایات مربوط به مرابحه

قرارداد مرابحه یکی از پرکاربردترین قراردادها در متون روایی است و شاید بتوان گفت در مورد هیچ قرارداد مالی این مقدار روایت نقل نشده است (موسویان،۱۳۹۰، ص ۳۵).

ذکر ترجمه کامل احادیث و متن آنها (در پاورقی)، بیشتر بدین منظور است که، وجود سابقه تاریخی، حتی در کلام معصومین (سلام الله علیهم اجمعین)، برای خوانندگان تصدیق، و ابهامات ذهنی پیرامون عقد مرابحه برطرف گردد.

در ذیل به چند مورد از این روایات اشاره می شود:

۱. امام (ع) می فرماید: اشکالی ندارد کالایی را که هنوز مالک نشده ای بفروشی، به این صورت که ابتدا صحبت هایتان را می کنید (قرار می گذارید)، سپس کالا را به نحوی که مشتری مطالبه می کند، برای خودت خریداری می کنی، سپس به مشتری می فروشی.[۱]

۲. عبدالحمید بن سعد می گوید به امام کاظم (ع) گفتم: ما در معاملات مان چنین می کنیم، چه بسا کسی سراغ ما می آید و قصد خرید کالایی دارد که ما نداریم، پس با او گفتگو می کنیم، و پیش از اینکه کالا را خریداری کنیم، بر سر قیمت با او به توافق می رسیم، سپس کالا را خریداری

---

۱. محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الحسین بن سعید، عن النضر بن سوید، عن عبدالله بن سنان، عن أبی عبد الله (ع) قال: لا بأس بأن تبیع الرجل المتاع لیس عندک تساومه ثم تشتری له نحو الذی طلب ثم توجبه علی نفسک ثم تبیعه منه بعد (الحرالعاملی، ج ۶، باب ۸، احکا م العقود، ح ۱، فروع الکافی، ج ۵، ص ۲۰۱، باب الرجل یبیع ما لیس عنده، ح ۷، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۹، باب ۴ (البیع بالنقد و النسیئه)، ح ۱۲).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

کرده و به همان قیمتی که با هم توافق کرده بودیم، به او می فروشیم؛ نه چیزی زیاد می کنیم و نه چیزی کم می کنیم. امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد.[۱]

۳.یحیی بن حجاج می گوید: از امام صادق (ع) در مورد مردی که به من می گوید این لباس یا این حیوان را برای من خریداری کن و به من بفروش به تو اینقدر سود می دهم، پرسیدم. امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد، آنها را خریداری کن و پیش از اینکه بیع را برای خودت ایجاب نکرده ای یا کالا را خریداری نکرده ای برای او ایجاب نکن.[۲]

۴. عبدالرحمن بن حجاج می گوید از امام صادق (ع) در مورد معامله عینه پرسیدم، گفتم: مردی سراغ من آمده می گوید: کالای خاصی را برای من خریداری کن، فلان قدر به تو سود می دهم، پس با هم مذاکره می کنیم و روی سود مشخصی به توافق می رسیم، سپس می روم کالا را برای او خریداری می کنم، به طوری که اگر درخواست او نبود خریداری نمی کردم، سپس می آورم و به او می فروشم؛ امام (ع) فرمود: اشکالی در این معامله نمی بینم، مگر نه این است که اگر کالا پیش از بیع تلف می شد از مال تو تلف شده بود؟ و مگر نه این است که اگر می خواست کالا را از تو خریداری می کرد و اگر می خواست خریداری نمی کرد، اشکالی در این معامله نمی بینم.[۳]

روایات فوق، به روشنی، اصل وجود مرابحه و بی اشکال بودن آن را تصدیق می کند.

۵. انواع مرابحه

۱. ۵ . از یک دیدگاه مرابحه به دو قسم است:

۱- مرابحه عادی: در این حالت، فروشنده محصولی را خریداری می کند، سپس به انتظار مشتری می نشیند، در زمانی که مشتری نزد وی آمد، با اضافه کردن سود معینی، محصول را به وی می فروشد.

---

۱. عن عبدالحمید بن سعد قال: قلت لأبی الحسن (ع) إنا نعالج هذه العینه و ربما جاء الرجل یطلب البیع و لیس هو عندنا فنساومه و نقاطعه علی سعره قبل أن نشتریه ثم نشتری المتاع فنبیعه إیاه بذلک السعر الذی نقاطعه علیه لانزید شیئاً و لاننقصه قال: لابأس (الحرالعاملی، ج ۶، باب ۸، احکام العقود، ح ۱۰).

۲. عن یحیی بن الحجاج قال: سألت الصادق (ع) عن رجل لی اشتر هذا الثوب و هذه الدابه، و بعنیها اربحک فیها کذا و کذا؟ قال: لا باس بذلک، اشترها و لاتواجبه البیع قبل أن تستوجبها أو تشتریها (الحرالعاملی، ج ۶، باب ۸، احکام العقود، ح ۱۳).

۳. عن عبدالرحمن بن الحجاج قال سألت الصادق (ع) عن العینهٔ فقلت: یأتینی الرجل فیقول اشترالمتاع و أربحک فیه کذا و کذا فأراوضه علی الشی من الربح فنتراضی به ثم أنطلق فأشتری المتاع من أجله لولامکانه لم أرده، ثم آتیه به فأبیعه فقال ما أری بهذا بأساً لوهلک منه المتاع قبل أن تبیعه إیاه کان من مالک و هذا علیک بالخیار إن شاء اشتراه منک بعد ما تأتیه و إن شاء رده فلست أری به بأساً (الحرالعاملی، ج ۶، باب ۸، احکام العقود، ح ۹).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۲- مرابحه سفارشی: در این حالت، مشتری به سراغ فروشنده می رود و محصول مورد نظر خـود را از وی می خواهد. فروشنده چون این محصول را ندارد، می تواند این سفارش را قبول کـرده و بـرای مشتری مهیا کند.

در معاملات بانکداری بیشتر نوع دوم [سفارشی] رواج دارد (موسویان،۱۳۹۰، ص ۳۷).

روایات ذکر شده در قسمت ۴، درستی این تقسیم بندی را نیز تائید می کند.

۲. ۵. با دیدگاهی دیگر، مرابحه به دو قسم ذیل هم قابل تقسیم است:

۱- مرابحه نقد: در این حالت، فروشنده با در نظر گرفتن سودی مشخص، محصول را یکجا به صورت نقد به مشتری می فروشد.

۲- مرابحه نسیه: در این حالت فروشنده با در نظر گرفتن سودی مشـخص، محصـول را بـه صـورت نسیه به مشتری می فروشد و مبلغ را به صورت دفعی یا تدریجی در یافت می کند.

در معاملات بانکی نوع نسیه مرابحه رواج دارد (موسویان،۱۳۹۰، ص ۳۸).

روایات ذیل درستی این نوع تقسیم بندی را تائید می کند.

۱. محمد بن مسلم می گوید از امام باقر (ع) پرسیدم: در مورد مردی که نزد مردی دیگـر آمـده می گوید کالایی برای من خریداری کن، شاید به صورت نقد یا نسیه از تو خریداری کـنم، پـس وی کالا را به خاطر او خریداری می کند؟ امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد، همانا از او خریداری مـی کنـد، پس از آنکه مالک شد.[۱]

۲. ابن سنان از امام صادق (ع) نقل می کند که از ایشان سؤال شد: مردی سراغ من مـی آیـد و قصد معامله طعام یا قصد انجام بیع نسیه دارد و آن کالا را من ندارم، آیا جایز است که من قیمت را با او تمام کنم، سپس از جایی دیگر خریداری کنم، بعـد بـه او بفروشـم؟ امـام (ع) فرمـود: اشـکالی ندارد.[۲]

---

۱. عن محمد بن مسلم قال: سألت الباقر (ع) عن رجل أتاه رجل فقال: ابتع لی متاعاً لعلی أشتریه منک بنقد أو نسیه، فابتاعه الرجل من أجله، قال: لیس به بأس إنما یشتریه منه بعد ما یملکه (الحرالعاملی، ج ۶، باب ۸، احکام العقود، ح۸).

۲. ابن سنان عن الصادق (ع) قال عن الرجل یأتینی یرید منی طعاماً أو بیعاً نسیاً و لیس عندی، أیصلح أن أبیعه ایاه و أقطع له سعره ثم أشتریه من مکان آخر فأدفعه إلیه؟ قال: لابأس به (الحرالعاملی، ج ۶، باب ۸، احکام العقود).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۳. ۵. از نگاهی دیگر- یعنی شیوه انجام- مرابحه به دو حالت ذیل هم قابل تقسیم است:

۱- مرابحه اصالتی: در این حالت، فروشنده خود اقدام به خرید محصول می کند، سپس با در نظر گرفتن سود معینی نسبت به قیمت تمام شده، آن را به مشتری می فروشد.

۲- مرابحه وکالتی: در این حالت، فروشنده، مشتری خود را وکیل می کند تا به وکالت[۱] از وی محصول مورد نیاز خود را خریداری کند، سپس فروشنده، محصول مذکور را به خریدار می فروشد.

روایات ذیل، درستی هر دو قسم فوق را تائید می کنند :

۱. منصور بن حازم می گوید، به امام صادق (ع) گفتم: گاهی فردی از فرد دیگر قصد معامله عینه دارد، به این صورت که سراغ وی می آید و می گوید: من به نیاز خودم آگاه تر از تو هستم، پولی در اختیار من بگذار تا مایحتاج خود را خریداری کنم، پس درهم ها را می گیرد و مایحتاج خود را خریداری می کند، سپس آنها را پیش صاحب پول می آورد، پس او کالا را به وی می فروشد؟ امام (ع) فرمود: آیا این دو اختیار دارند؛ اگر بخواهد خریداری کند و اگر بخواهد ترک کند و فروشنده هم اگر بخواهد بفروشد و اگر بخواهد ترک کند؟ گفتم: بله، چنین اختیاری دارند، امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد.[۲]

۲. منصور بن حازم میگوید، از امام صادق (ع) پرسیدم: در مورد مردی که تقاضای معامله لباس معینی را از من دارد و من آن لباس را ندارم، به او می گویم، این درهم ها را بگیر و آن لباس را خریداری کن، پس او هم درهم ها را گرفته، لباسی را که می خواهد خریداری می کند، سپس پیش صاحب درهم ها می آورد، حال آیا مشتری می تواند این لباس را از صاحب پول خریداری کند؟ امام (ع) فرمود: مگر نه این است که اگر لباس تلف شود از مال صاحب درهم ها تلف شده است؟ گفتم: بلی، فرمود: اشکالی ندارد.[۳]

---

۱. وکالت در لغت به معنی تفویض و واگذاری است و در اصطلاح فقها عبارت است از عقدی که در آن انسان فرد دیگری را نایب خود قرار می دهد تا در امری که مربوط به او است تصرف نماید (فرزین وش، بررسی عقود در بانکداری اسلامی، ص۵۷۷). مرحوم صاحب جواهر مشروع بودن این عقد را بلاتردید و آن را از امور بدیهی و بی نیاز از استدلال می داند (نجفی، جواهر الکلام، ج۲۷، ص۳۴۷).

۲. عن منصور بن حازم قال: قلت للصادق (ع): الرجل یرید أن یتعین من الرجل عینه فیقول له الرجل أنا أبصر بحاجتی منک فأعطنی حتی أشتری فیأخذ الدراهم فیشتری حاجته، ثمیجئ بها إلی الرجل الذی له المال فیدفعه إلیه فقال: ألیس إن شاء اشتری و إن شاء ترک و إن شاء البایع باعه و إن شاء لمیبع؟ قلت: نعم، قال: لابأس.

۳. عن منصور بن حازم سألت الصادق (ع) عن رجل طلب من رجل ثوباً بعینه قال لیس عندی، هذه دراهم فخذها فاشتربها ألیس إن ذهب الثوب فمن مال الذی أعطاه الدراهم، قلت: بلی، قال: إن شاء اشتری و إن شاء لمیشتر؟ قلت: نعم، قال: لابأس به.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۴. ۵. برای درک بهتر انواع مرابحه، درج نمودار ذیل، مناسب به نظر می آید.

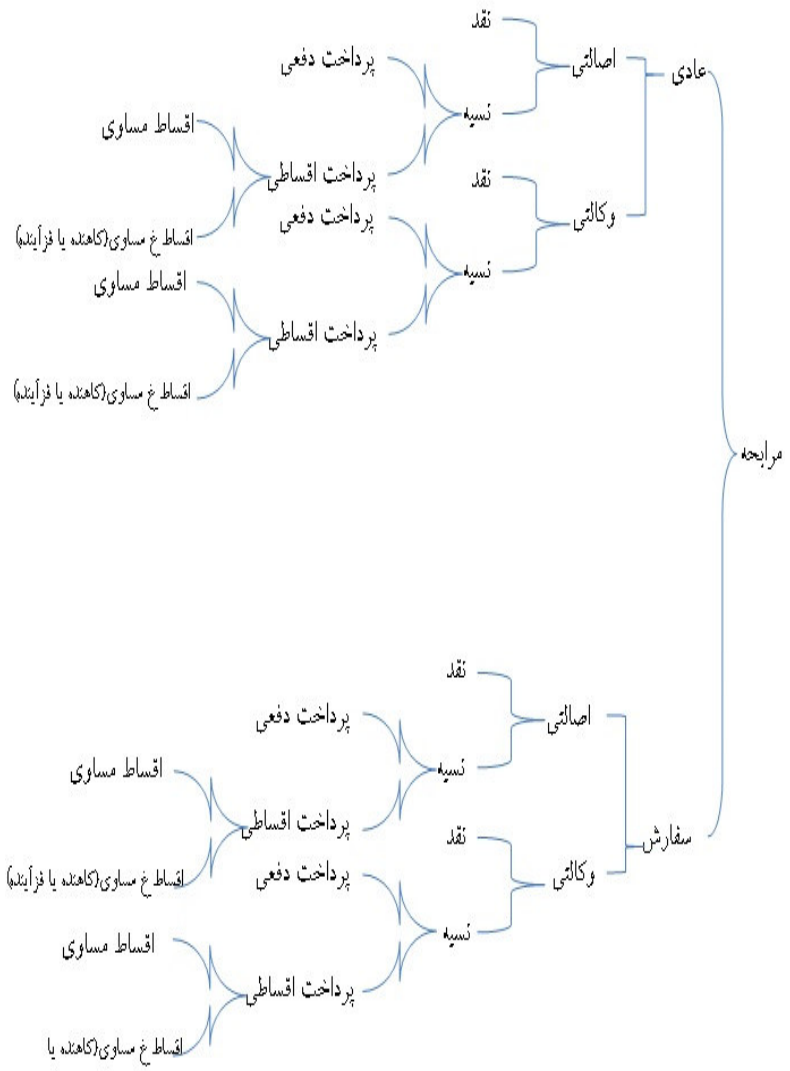

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۶. انواع سود در مرابحه

قرارداد بیع مرابحه از جهت شیوه محاسبه سود نیز به دو حالت تقسیم می شود:

نخست مرابحه با سود مبلغی، در این حالت فروشنده کالای خریداری شده را با در نظـر گـرفتن مبلغ سود مشخصی به مشتری می فروشد.

حالت دوم، مرابحه با سود درصدی است، در این حالت فروشنده کالای خریداری شـده را بـا در نظر گرفتن درصد سود مشخصی به مشـتری مـی فروشـد. در معـاملات بـانکی نـوع دوم رواج دارد (موسویان،۱۳۹۰، ص ۴۰).

روایتی که در ذیل می آید، درستی سود مبلغی و سود درصدی را تائید می کنند.

اسماعیل بن خالق می گوید، از امام کاظم (ع) در مورد معامله عینه پرسیدم، گفتم: بسـیاری از تجار ما امروزه معاملات عینه دارند و من برای شما توضیح می دهم که چه کار می کنیم، امـام (ع) فرمود: توضیح بده .گفتم: معامله گری پیش ما می آید و کالایی را می خواهد و با هـم گفتگـو مـی کنیم در حالی که کالا را به تو می دهم ده به یازده، می گویم ده أربحـک ده یـازده، و أقـول أنـا ده دوازده: نداریم. به ما می گوید به دوازده، با هم چانه می زنیم تا به نرخی توافق مـی کنـیم، پـس از فراغ از تعیین سود، می پرسم چه کالایی را قصد داری تا برایت بخرم؟ ... امام (ع) فرمودند: اشکالی در این معامله نمی بینم[۱].

۷. شرایط بیع مرابحه

بدیهی است که بیع مرابحه مانند سایر عقود، جهت وجود صحت و درستی، شروطی دارد؛ شهید اول در کتاب لمعه دمشقیه مواردی را ذکر می کند که همگی شـایان توجـه اسـت. درج ایـن مـوارد در

---

۱. عن اسماعیل بن الخالق قال: سألت أبا الحسن (ع) عن العینه و قلت إن عامه تجارنا الیومیعطون العینه فأقص علیک کیف نعمل؟ قال: هات، قلت یأتینا المساومیرید المال فیساومنا و لیس عندنا متاع فیقول: أربحک ده یازده، و أقول أنا: ده دوازده فلا نزال نتراوض حتی نتراوض علی أمر فاذا فرغنا قال: قلت أی متاع أحب إلیک أن أشتری لک؟ فیقول الحریر لأنه لا یوجد شیئ أقل وضیعه منه، فأذهب و قد قاولته من غیره مبایعه. فقال: ألیس إن شئت لم تعطه و إن شاء لمیأخذ منک؟ قلت: بلی. قال فأذهب فأشتری له ذلک الحریر و أماکس بقدر جهدی ثم أجئ به إلی بیتی فأبایعه فربما ازددت علیه القلیل علی المقاوله، و ربما اعطیته علی ما قاولته و ربما تعا سرنا فلمیکن شئ، فإذا اشتری منی لمیجد أحداً أغلی به من الذی اشتریته منه فیبیعه منه فیجئ ذلک فیأخذ الدراهم فیدفعها إلیه و ربما جاء لیحیله علی، فقال: لا تدفعها إلا إلی صاحب الحریر، قلت: وربما یتفق بینی و بینه البیع به و أطلب إلیه فیقبله منی. فقال: ألیس إنه لو شاء لمیفعل و لو شئت انت لم تزد؟ قلت: بلی لو أنه هلک فمن مالی. قال: لا بأس بهذا إذا أنت لم تعد هذا فلابأس به (الحرالعاملی، ج ۶، باب ۸، احکام العقود، ح ۱۴).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

کتاب معتبری چون لمعه، نشان از اعتبار و قدمت و کاربردی بودن عقد مرابحه دارد. این موارد عبارتند از:

- در بیع مرابحه، آگاهی از مقدار ثمن و سود شرط است (شهید اول، ۱۳۷۴، ج۱، ص۲۴۳)
- در بیع مرابحه فروشنده باید راست بگوید. پس اگر زیادتی در کالا به وجود نیاورده باشد[و کاری که موجب افزایش بهای آن شده، نکرده باشد] می گوید: این کالا را به این مبلغ خریده ام، یا فلان مقدار بر من تمام شده است، یا قیمت آن برای من فلان اندازه شده است. و در صورتی که به واسطه فعل او افزایش در آن حاصل شده باشد، از آن خبر می دهد. و اگر کسی را اجیر کرده تا در کالا زیادتی حاصل کند [و آن را به صورت بهتری درآورد] آن را ضمیمه می کند و می گوید: این کالا برای من فلان مبلغ تمام شده است، نه آنکه بگوید: آن را به این مبلغ خریدم، مگر آنکه بگوید: [آن را به فلان مبلغ خریده ام] و فلان مبلغ نیز اجرت داده ام (شهید اول، ۱۳۷۴، ج۱، ص۲۴۳).
- در صورتی که پس از خرید کالا عیبی در آن حاصل شده باشد، فروشنده باید آن را ذکر کند و اگر بابت آن عیب ارزشش گرفته شده باشد باید آن را از بهای آن کم کند (شهید اول، ۱۳۷۴، ج۱، ص۲۴۳).
- فروشنده نباید برای اجزای مبیع قیمت گذاری کند [یعنی هر گاه چند کالا را روی هم به مبلغی خریده است، و یا کالایی را خریده که دارای اجزایی است، نباید برای هر یک از آن کالاها و یا برای اجزای آن، قیمت تعیین کند و آن را به صورت بیع مرابحه بفروشد] (شهید اول، ۱۳۷۴، ج۱، ص۲۴۴).
- در صورتی که معلوم شود فروشنده دروغ گفته یا اشتباه کرده است، مشتری [میان رد و امضای بیع] مخیر است (شهید اول، ۱۳۷۴، ج۱، ص۲۴۴).
- فروشنده نمی تواند از روی حیله و نیرنگ کالا را به غلام و یا فرزند خود بفروشد و آنگاه آن را با قیمتی گزاف از وی بخرد، و سپس در بیع مرابحه، آن مبلغ را به عنوان ثمن ذکر کند، چون این کار خدعه و فریبکاری است. آری اگر کالا را ابتدا و بدون آنکه سابقه بیعی در کار باشد [یعنی بی آنکه قبلا کالا را خودش به آنها فروخته باشد] از ایشان بخرد، اخبار از ثمن آن جایز است. همچنین [در جایی که تاجری کالای خود را به دلال می دهد، و قیمتی برای آن تعیین می کند که دلال آن را بفروشد و هرچه بیش از آن قیمت فروخت، از آنِ دلال باش دلال نمی تواند قیمتی را که تاجر تعیین کرده، به عنوان بهای تمام شده آن ذکر کند [و آن را به صورت بیع مرابحه بفروشد] و اگر چنین

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

کند، بهای آن برای تاجر خواهد بود و به دلال اجرت پرداخت می شود (شهید اول، ۱۳۷۴، ج۱، ص۲۴۴).

در کتب و مقالات جدید هم موارد مشابه ذکر گردیده که البته به صورت خلاصه به آنها می پردازیم:

- مطابق روایات، در قرارداد مرابحه، بایستی کالایی خریداری، سپس به مشتری فروخته شود، یعنی در اقتصاد واقعی باید پدیده ای رخ دهد (نجفی، ۱۹۸۱، ص ۲۳ و ۳۰۳) [حضور در بخش حقیقی اقتصاد].
- مطابق روایات بایستی قرارداد مرابحه پس از خریدِ فروشنده و تملک او انجام گیرد و پیش از آن هر نوع تعهدی بر خرید هم بوده باشد، هنوز بیع مرابحه واقع نشده است. (نجفی، ۱۹۸۱، ص ۲۳ و ۳۰۳).
- در بیع مرابحه چنانچه فروشنده در بیان قیمت خرید یا هزینه های مربوطه دروغ بگوید، مشتری خیار فسخ پیدا می کند (نجفی، ۱۹۸۱، ص ۲۳ و ۳۰۳).
- همه این موارد نشان از عمق وجودی و اعتبار عقد مرابحه در فقه شیعی دارد.

۸. شمول بیع مرابحه

به نظر می رسد که درباره بیع مرابحه در کالا [اعیان]، اختلافی بین فقها نباشد، و محل اختلاف، بحثِ بیع در خدمات و منافع است.

برخی از فقها مانند شیخ انصاری، صاحب جواهر و آیت الله خویی صدق بیع بر چنین معامله هایی را انکار و تکّلم عرف را بر تسامح حمل می کنند و معتقدند مقصود عرف انتقال منافع در قالب اجاره یا جعاله بوده یا برخی از فقهای دیگر چون امام خمینی و آیت الله مکارم شیرازی اشتراط عین بودن بیع را لازم ندانسته، بر این باورند که می توان منافع و خدمات را نیز در قالب قرارداد بیع منعقد کرد؛ این گروه از فقها افزون بر صدق عرفی بیع بر فروش خدمات و منافع به روایت هایی نیز استدلال می کنند؛ مانند روایت اسحاق بن عمار که نقل می کند (موسویان،۱۳۹۰، ۴۱ و ۴۲):

از امام (ع) دربارۀ فردی که خانه ای را در اختیار دارد و می فروشد در حالی که خانه مال وی نیست، پرسیدم، امام فرمود: نمی پسندم خانه ای را که مال وی نیست، بفروشد. گفتم: سکونت در خانه و موقعیتش در آن خانه را می فروشد و می گوید: سکونت خانه را به تو می فروشم؛ خانه آن گونه که دست من بود، دست تو باشد. امام فرمود: بلی به این صورت می تواند بفروشد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳: ۲۱، ۱).

البته هیچیک از دو گروه از فقها، به بطلان معامله فتوا نمی دهند، بلکه گروهی معتقدند معامله خدمات و منافع همان گونه که مردم تلفظ کرده و واژه خرید و فروش را به کار می برند، خرید و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

فروش است و از این باب درست است و گروهی دیگر معتقدند، گرچه مردم واژه خرید و فروش را به کار می برند، اما قصدشان به تناسب مورد مفاد قرارداد اجاره یا جعاله و یا صلح است.

برای حل مشکل و رسیدن به وفاق فقهی می توان از عقد صلح نیز استفاده کرد، به این معنا که مراکز خدماتی بر اساس عقد صلح خدمات خود را به صورت نقد به بانک واگذارند؛ سپس بانک آن خدمات را براساس عقد صلح مرابح های و با قیمتی بالاتر به خریدار تملیک کند و وی از آن خدمات استفاده کند .به اعتقاد فقهای بزرگوار شیعه، قرارداد صلح قراردادی لازم است و موضوع آن شامل اعیان، منافع و حقوق است و همه خدماتی را که ارزش مالی دارند، شامل می شود. (موسویان،۱۳۹۰: ۴۲)

این مبحث در استفتائاتی که از مراجع گرفته شده است (ذکر در انتهای مقاله) نیز آمده که می تواند موجبات روشنگری بیشتر را فراهم کند.

۹. تمایز بیع مرابحه و فروش اقساطی

ابتدا باید یادآور شد که در فقه و کتب فقهی، بیعی تحت عنوان فروش اقساطی وجود ندارد و در حقیقت فروش اقساطی نوعی خرید و فروش نسیه است و یک نوع ابزار محسوب می شود.

در حالت کلی، یک معامله یا نقد است یا نسیه و یا ترکیبی از این دو. با این اوصاف واضح است که شمول مرابحه بسیار وسیع تر از فروش اقساطی است؛ چرا که فرضا مرابحه می تواند، نقد یا نسیه یا ترکیبی از این دو باشد و کلیه حالات را پوشش دهد.

در حقیقت، فروش اقساطی زیر مجموعه و نوعی از مرابحه است.

مهترین تمایزات مرابحه و فروش اقساطی عبارتنداز:

۱. فروش اقساطی به لحاظ کاربرد موضوعی فقط برای کالاهای محدود و معینی قابل استفاده است درحالی که مرابحه منحصر به کالای خاصی نیست و می توان از آن برای تمامی کالاهای مصرفی و با دوام مورد نیاز خانوارها، مواد اولیه، کالاهای واسطه ای و سرمایه ای مؤسسات تولیدی، صنعتی و بازرگانی استفاده نمود.

۲. مرابحه علاوه بر پوشش گسترده کالاها برای خرید خدمات مورد نیاز خانوارها، مؤسسات تولیدی، صنعتی و حتی بازرگانی نیز قابل استفاده است، در حالی که در فروش اقساطی چنین امکانی وجود نداشت.

۳. به لحاظ شیوه پرداخت، فروش اقساطی عموما شیوه پرداخت اقساطی تدریجی را مورد توجه قرار داده است، در حالی که مرابحه شیوه های دیگر پرداخت در عقد بیع شامل بیع نقدی، بیع نسیه دفعی و بیع نسیه اقساطی را در برمی گیرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۴. از قابلیت های دیگر مرابحه می توان به امکان طراحی و انتشار اوراق مرابحه (صکوک مرابحه) بر اساس آن اشاره نمود (موسویان،۱۳۹۰: ۴۴).

۱۰. چرایی استفاده نکردن از مرابحه

به رغم تفاوت ماهوی قرارداد مرابحه با ربا، و تصریح خداوند بر حلیت آن در آیه شریفه" احل الله البیع و حرم الربا" (بقره، ۲۷۵) برخی تصور می کنند اصل این قرارداد یا شیوه های اجرایی آن اصالت دینی نداشته و ابداع متفکران مسلمان برای توجیه معاملات بانکی است (موسویان،۱۳۹۰، ص ۳۴ و ۳۵).

چنین مواردی در حالی مطرح می شود که بیع مرابحه به روشنی در کتب اصیل فقهی همچون لمعه (شهید اول، ۱۳۷۴، ج۱، ص۲۴۲ و ۲۴۳) ذکر گردیده است.

به نظر می آید عدم آگاهی دقیق از مباحث فقهی و روایی، موجبات چنین تصوراتی را فراهم آورده است. همچنین وجود نگاهی مبنی بر اینکه هر حالتی که طرفین در سود و زیان شریک نباشند و بحث مشارکت در میان نباشد، شبهه ربوی دارد (بویژه در امور بانکداری)، این تصورات را تشدید کرده است.

این موضوع در حالی است که این قرار داد (مرابحه) به وفور در کشورهای دیگر و مذاهب اهل تسنن مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان نمونه کشور اردن و بانک توسعه اسلامی، جهت تجهیز منابع بانکی، از عقد مرابحه استفاده می کنند.

نکته قابل توجه این است که مرابحه در لغت نامه های فارسی به معانی روبرو آمده است: بهره کاری (لغات فرهنگستان)؛ پولی به کسی دادن با گرفتن ربح (فرهنگ فارسی معین)؛ سود دادن و سود گرفتن بابت قرض گرفتن و قرض دادن پولی (فرهنگ دهخدا).

شاید همین معانی ناصحیح از مرابحه یکی از عوامل مهم بدبینی به این عقد بوده باشد؛ چرا که همان طور که در تعریف آخر دیده می شود، مرابحه به غلط به صورت ربا و بهره تعریف شده است.

۱۱. ابزارهای مبتنی بر مرابحه

با عنایت به وجود سود ثابت و امور حسابداری ساده (که امری مهم و قابل توجه است)، بیع مرابحه، مورد مناسبی جهت ایجاد خدمات بانکی و ابزار های نوین مالی است؛ البته شرح این موضوع در این مقال نمی گنجد؛ به همین جهت فقط به مهمترین آنها به طور خلاصه اشاره می شود:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۱-۱۱- اوراق مرابحه

۱. ۱ .۱۱. اوراق مرابحه تامین مالی

در این نوع، بانی جهت تامین مالی خود، اقدام به انتخاب یا تاسیس موسسه مالی به منظور خاص، تحت عنوان واسط می کند؛ واسط با انتشار اوراق مرابحه، از طریق شرکت تامین سرمایه، وجوه سرمایه گذاران مالی (مردم) را جمع آوری کرده به وکالت از طرف آنان، کالای مورد نیاز بانی را از تولید کننده (فروشنده) به صورت نقد خریداری و به صورت بیع مرابحه نسیه، به قیمت بالاتر به بانی می فروشد. بانی متعهد می شود در سررسید مشخص، قیمت نسیه کالا را از طریق شرکت تامین سرمایه به دارندگان اوراق برساند (موسویان،۱۳۹۰:۶۰۰ و ۶۰۱)

۲. ۱. ۱۱. اوراق مرابحه تامین نقدینگی

در این روش، موسسه ناشر اوراق، دارایی های دولت، سازمان ها و بنگاه های اقتصادی را به صورت نقد خریده، پولش را می دهد. سپس با قیمتی بالاتر و به صورت نسیه مدت دار به خود آنها می فروشد و در مقابل، از آنها اسناد مالی با مبالغ و سررسید های معین دریافت می کند (صالح آبادی، ۱۳۸۵: ۱۱۴-۱۱۲).

۳. ۱. ۱۱. اوراق مرابحه تشکیل سرمایه شرکت های تجاری

بانی (شرکت تجاری) که نقش ناشر را نیز دارد با انتشار و واگذاری اوراق مرابحه، وجوه نقدی مازاد افراد را جمع آوری کرده، به وکالت از طرف آنان، کالای مورد نیاز دولت، سازمان های دولتی، شرکت های وابسته به دولت و بنگاه های اقتصادی بخش خصوصی و مصرف کنندگان را از تولید کنندگان یا مراکز فروش به صورت نقد خریده، سپس با افزودن نرخ معینی به عنوان سود، به صورت نسیه به مصرف کنندگان نهایی می فروشد؛ سود حاصل از عملیات خرید و فروش، پس از کسر درصدی به عنوان حق الوکاله ناشر (شرکت تجاری) به صورت فصلی یا سالانه از طریق شرکت تامین سرمایه، بین صاحبان اوراق توزیع می شود (موسویان،۱۳۹۰: ۶۰۶).

۴. ۱. ۱۱. اوراق مرابحه رهنی

در این روش بانی (بانک یا شرکت لیزینگ) که دارایی هایی را به صورت مرابحه (فروش اقساطی) رهنی به دولت، بنگاه ها و خانوار ها واگذارده است می تواند با تبدیل به اوراق بهادار کردن مطالبه های حاصل از تسهیلات مرابحه، منابع خود را تجدید کند (موسویان،۱۳۹۰: ۶۰۸).

۲. ۱۱. کارت اعتباری مبتنی بر مرابحه

کمیسیون اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، دستورالعمل اجرایی کارت اعتباری بر پایه عقد مرابحه را در سی و یکمین و چهل و یکمین جلسات مورخ ۹۰/۵/۹ و ۹۰/۶/۱۶ تصویب کرد (محرابی،۱۳۹۰: ۴۹).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

صدورکارت مرابحه صرفاً بر مبنای قرارداد مرابحه بین مؤسسه اعتباری و متقاضی میسر است که به موجب آن مؤسسه اعتباری به وسیله کارت مرابحه، کالا و خدمت مورد تقاضای دارنده کارت را به صورت نقد از پذیرنده کارت خریداری کرده و در قالب قرارداد مرابحه به دارنده کارت واگذار می کند. دارنده کارت نیز متعهد می شود مطابق قرارداد، بدهی ناشی از خرید کالا و خدمت را به مؤسسه اعتباری بازپرداخت کند و چنانچه دارنده کارت زودتر از تاریخ مقرر در سررسید تسهیلات، نسبت به بازپرداخت بدهی خود اقدام نماید، مشمول جدول تخفیفات خواهد شد (محرابی،۱۳۹۰، ص ۴۹).

۱۲. استفتائات از مراجع معاصر

جهت روشنگری بیشتر و رفع ابهامات، از ۱۰ تن از مراجع تقلید معاصر، استفتاء شد، که تنها موفق به دریافت پاسخ از دو تن از مراجع شدیم.

متن سؤالات پرسیده شده بدین شرح است:

۱- عقد " مرابحه" چیست؟

۲- آیا "مرابحه سفارشی" صحیح است؟ مرابحه سفارشی بدین معنا که به عنوان مثال، فروشنده به درخواست مشتری جنسی را بخرد، سپس با اضافه سودی، به مشتری بفروشد).

۳- آیا می توان جنسی را طبق "عقد مرابحه" فروخت و مبلغ را به صورت نسیه دریافت کرد؟ و آیا به دلیل مزیت نسیه، می توان اضافه ای افزون بر مبلغ مورد توافق اولیه، اخذ کرد؟

۴- اگر در سؤال فوق به جای کلمه "نسیه"، کلمه "اقساط" را قرار دهیم، پاسخ چگونه خواهد بود؟

۵- مرابحه وکالتی چیست؟ آیا اصلا در شرع مقدس چنین چیزی وجود دارد؟ اگر بله، چه انواعی دارد.

مثال: آیا معامله ذیل صحیح است؟

- اگر مشتری به فروشنده مراجعه کند و از وی کالایی را بخواهد، آنگاه فروشنده پولی را به مشتری بدهد و به وی وکالت دهد که از طرف خودش (فروشنده) کالایی را خریداری کند، سپس فروشنده، همان کالا را با اضافه کردن سودی بر قیمت خریداری شده توسط مشتری، به وی بفروشد).

۷- آیا سود مرابحه می تواند به صورت درصدی تعیین گردد یا باید به صورت مبلغ معینی باشد؟

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۸- قلمرو استفاده از "عقد مرابحه" کجاست؟ (یعنی برای مواردی چون لوازم مصرفی، لوازم تولیدی، زمین، خودرو، تاسیسات، خدمات، خدمات گردشگری، خدمات پزشکی و بیمارستانی، مالکیت های معنوی و ... قابل استفاده است؟)

۹- بعضی معتقدند که بین "مرابحه" و "فروش اقساطی" تفاوت چندانی نیست؛ بدین معنی که مرابحه همان فروش اقساطی است با یک قسط، نظر مبارک حضرتعالی چیست؟ به طور کلی تفاوت این دو عقد چیست؟

۱۰- عده ای می گویند مرابحه راهی برای فرار از رباست، نظر حضرتعالی چیست؟

در پاسخ به سوالات فوق ، آیت الله مکارم شیرازی تنها به ۳ سوال نخست پاسخ گفتند:

۱. منظور از مرابحه آن است که کسی جنسی را خریده ولی می گوید مثلاً با ۲۰ درصد منفعت می فروشم.

۲. در فرض سؤال اشکالی ندارد.

۳. اشکالی ندارد.

در پاسخ به سوالات فوق، آیت الله زنجانی ، هر ده سوال را پاسخ گفتند:

پاسخ سوال اول:

عقد یا بیع مرابحه عبارت است از اینکه فردی چیزی را به وجهی بخرد و با قیمتی بالاتر به عنوان سود بفروشد.

پاسخ سؤال دوم:

فرض سؤال اشکالی ندارد.

پاسخ سؤال سوم:

به دلیل اینکه نفس مدت و اجل قیمت دارد، فرض سؤال اشکالی ندارد.

پاسخ سؤال چهارم:

فرض سؤال در صورت تعیین شدن دقیق زمان، اشکالی ندارد.

پاسخ سؤال پنجم:

در تمام اقسام بیع از جمله مرابحه، وکالت صحیح است بدین معنا که هم وکیل می تواند از طرف بایع برای دیگری عقد مرابحه انجام دهد و هم می تواند برای خود این عقد را صورت دهد.

پاسخ سؤال ششم:

فرض سؤال اشکالی ندارد.

پاسخ سؤال هفتم:

در بیع مرابحه هم می توان سود را به صورت مبلغ مشخص کرد که فرد هم در جریان سرمایه اولیه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

باشد و هم مقدار سود آن را بداند و هم می توان سود را به صورت درصد معین کرد.

پاسخ سؤال هشتم:

هر جائی که بیع و خرید و فروش جایز است، مرابحه هم جایز است مشروط بر اینکه تمام شرایط صحت بیع لحاظ گردد و ضمناً به مشتری سرمایه اولیه و مقدار سود چه به صورت مبلغ و یا به صورت درصد گفته شود.

پاسخ سؤال نهم:

چیزی به نام فروش اقساطی در فقه وجود ندارد؛ طبعاً معامله یا نقد است و یا نسیه منتهی در نسیه می توان با توافق طرفین، آن را اقساطی کرد.

پاسخ سؤال دهم:

ربا زیاده گیری و زیاده خواهی در برابر چیزی است که این مقدار ارزش نداشته و یا شارع، ارزش آن را کأن لم یکن دانسته است؛ بنابراین اگر کسی چیزی را قرض دهد و شرطِ اضافه بر آن بار کند، بدین معنا که مبلغ مشخصی به فردی داده و شرط کرده که اضافه بر آن را پس بگیرد، این رباست و شرعاً حرام است؛ اما فروختن جنسی که دارای قیمت عقلائی است با سودی که آن هم عقلائی ست، ربا نبوده بلکه مرابحه است؛ به همین جهت در فرض مرابحه، اگر سود بیش از حد متعارف و غیر عقلائی باشد، باعث خیار غبن شده و مشتری در این جهت حق فسخ خواهد داشت.

۱۲. نتیجه گیری

به نظر می آید، با موارد ذکر شده، ابهامی جهت شرعی بودن و عمق وجودی آن در فقه شیعی نباشد.

مرابحه به علت شمول وسیع خود و همچنین وجود انواع مختلف، اعم از سفارشی، وکالتی و ... و همچنین وجود سود معین، می تواند راهگشای بسیاری از معضلات نظام بانکداری بدون ربا باشد و بسیاری مشکلات تامین مالی در نظام بانکی بدون ربا را نیز حل و تسهیل کند.

باید توجه شود که نگاه علمی و بدون پیش فرض به مباحث شرعی به طور کلی، و به طور ویژه وجود این نگاه در بحث بانکداری بدون ربا و مرابحه به طور خاص، راهگشای بسیاری از مسائل و مشکلات خواهد بود.

به نظر می رسد تعمق، پژوهش و شناخت بیشتر در این عقد و ایجاد ابزارهای مالی متناسب با آن می تواند راهگشای بسیاری از مشکلات نظام بانکداری کنونی ایران باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

منابع

۱ - بروجردی، سیدحسین، (۱۴۱۰ ق)، جامع احادیث الشیعه، حوزۀ علمیۀ قم.
۲ - حر عاملی، (۱۴۱۳ق)، وسائل الشیعه، بیروت: مؤسسۀ آل البیت (ع).
مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۳ ق، انوارالفقاهه، کتاب البیع، قم، مدرسۀ امام امیرالمؤمنین (ع).
۳- شهید اول، (۱۳۷۴)، لمعه دمشقیه، قم: دارالفکر.
۴- فرزین وش، اسد ا...، (۱۳۸۱)، بررسی عقود در بانکداری اسلامی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ اول، تابستان.
۵- محرابی، لیلا، (۱۳۹۰)، دستور العمل اجرایی کارت اعتباری بر اساس عقد مرابحه، تازه های اقتصاد ، شماره۱۳۳.
۶- ملا کریمی، فرشته، (۱۳۹۰)، بررسی فقهی عقود مرابحه، خرید دین و استصناع، تازه های اقتصاد، ش۱۳۳.
۷ - موسوی خمینی [امام]، سیدروح الله، (۱۳۷۶)، استفتائات جدید، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸- موسویان، سید عباس، (۱۳۹۰)، امکان سنجی کاربرد مرابحه در بانکداری بدون ربا، فصلنامه روند پژوهش های اقتصادی، ش ۵۹.
۹ - نجفی، محمدحسن، (۱۹۸۱م)، جواهرالکلام، ۲۳، تحقیق علی آخوندی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

[Type a quote from the document or the summary of an interesting point. You can position the text box anywhere in the document. Use the Text Box Tools tab to change the formatting of the pull quote text box.]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]